

از اوان بالا کفر میانه

ابراهیم رها

جنگ سرد

۲۶ خرداد ۱۳۸۶

شیر تو شیر

این ستون مدتی آمد و مدت‌ها نبود، این را که می‌دانستید. این یک ستون طنز است، این را هم که می‌بینید، قرار است آن را به صورت ثابت روزانه داشته باشیم، این را هم خواهید دید. خلاص،

۱- دو نفر را یکی، دو روز پیش در ملاء عام اعدام کردند. ما یقین داریم این کار هم مثل تمام کارهای اخیر حتماً یک فایده‌ی دارد، چهارتایش را خدمتان عرض می‌کنیم؛ الف) ما نشان می‌دهیم که بعد از «شب شیشه‌ی» می‌توانیم برنامه‌های پرمخاطب دیگری هم بسازیم. ب) ملاء عام اساساً چیز خوبی است آدم خوشش می‌آید. ج) این هم یکجور آموزش فرهنگی است فقط یک کم درد دارد. د) اعدام، در ملاء عام. خداوکیلی قافیه را حال می‌کنید؟

۲- «می‌خواهند نیشگونی به نام تحریم از ما بگیرند.» این جمله را می‌خوانیم و به نظرمان می‌رسد؛ الف) ا؟ چه کاریه؟، ب) اوا نکن

همچین. ج) از نیشگون جلوتر نرن خوبیت نداره. د) همه چیز از همین نیشگون گرفتن شروع میشه‌ها، حالا ما گفتیم، ۳- رئیس مجلس گفته باید ببینیم گذاشتن دوباره شیرها بر سر در مجلس آیا تعابیر قبل از انقلابی را احیا می‌کند یا نه. ما هم در اینجا پیشنهاد می‌دهیم برای آنکه آن تعابیر ایجاد نشود؛ الف) از سایر جانداران استفاده کنیم. ب) در این دو شیر بزرگ نر تغییراتی ایجاد کنیم تا بیشتر تعابیر جدید را به ذهن متبادر کند. ج) شیرها را نصب کنیم زیرش بنویسیم ان شاءالله گربه است. د) دیگه شیر واسه چی، آخه شیر تو شیرتر از این؟

۲۷ خرداد ۱۳۸۶

مرگ بر دیگ پلو

صبح که از خواب بیدار می‌شوم به خودم قول می‌دهم که امروز به چیزی گیر عنایت نکنم. از این رو (دقیقاً از همین رو) وقتی خبر انحلال دولت وحدت فلسطین را می‌خوانم فقط می‌گویم هر جور صلاح است. یا وقتی می‌بینم قیمت بلیت مترو گران شده می‌گویم دست شان درد نکند. یا می‌خوانم آقای احمدی‌نژاد به اقتصاددان‌ها جواب داده اساسی و گفته در برابر تهدیدهای دنیا لازم نیست تمام ملت ایران به صحنه بیاید همین مردم گرمسار شما را متلاشی خواهند کرد و.. اصلاً بقیه اش را نمی‌خوانم که خدای نکرده حرف بدی هم نزنم اما.. اما قبول کنید از دیگ پلو نمی‌شود گذشت، پنجشنبه جشن تولد ملکه انگلستان در سفارت این کشور در تهران بوده و عده‌یی ضمن تجمع مقابل سفارتخانه به میهمانان گفته‌اند «دیگ پلوی انگلیسی را بر سرتان خراب می‌کنیم.» الف- دیگ پلوی سایر کشورها مشکل ندارد؟ ب- سایر لوازم پخت و پز

انگلیسی مشکل ندارد؟ ج- دیگ پلوی انگلیسی یک چیزی است مثل سقباد- وقتی شعار می‌دهیم.. هیچی، شعارتان را بدهید. گویا معترضین در ادامه به «خیانتکاران کثیف وطن فروش» (میهمانان انگلستان) یک چیزهایی گفته‌اند که.. که دل شان خواسته و زورشان رسیده. به ما چه، ما را که هیچ سفارتخانه‌یی راه نمی‌دهد. اما الف- اقشار آسیب پذیر همان مستضعفین سابق‌اند ب- خیانتکار کثیف همان میهمان سابق است ج- قلدر صاحب قدرت صاحب نفوذ همان اقتصاددان سابق است. د- دوستان بیکار شدند یک فرهنگ لغت بنویسند،

۲۹ خرداد ۱۳۸۶

قری پونصد، رضا فرصت، حاجی نصرت

آخه این چه هواشناسیه، هوا باید بشه چهل درجه؟ بگذریم. اینجا نوشته چند کشور غربی ایران را به تحریم‌های بیشتر تهدید کرده‌اند. ما که اساساً مدتی است با مشیت محکم حال می‌کنیم، معتقدیم؛ الف: دستت رو بکش بینیم بابا. ب) اذیت می‌کنی؟ می‌خوای اذیت کنی؟ ج: برو بابا، مردم هم لازم نیست بیان، خودم و فری پونصد، رضا فرصت، حاجی نصرت کفایت می‌کنیم، د؛ از قرار معلوم شما ول کن نیشگون گرفتن نیستی، پس دیپلماسی کف گرگی رو ندیدی. گویا وزارت فرهنگ و ارشاد اسلامی سه ساعت از مردم به خاطر نمایش فیلم نقاب عذرخواهی کرده و بعد افزوده این فیلم در دولت قبلی مجوز ساخت گرفته بوده است. از آنجا که تمام مسوولان عزیز هر اتفاقی که می‌افتد به مشکلات دولت قبلی اشاره می‌کنند، ما نتیجه می‌گیریم تمامی مشکلات جاری مملکت به عهده این افراد است؛ الف) من

(ب) فری پونصد ج) رضا فرصت د) حاجی نصرت. این روزها بحث ازدواج موقت خیلی داغ شده. فکر می‌کنید دلیل داغ شدن (بحث را عرض می‌کنم)، چیست؟ البته لازم نیست فکر کنید خودم می‌گویم؛ الف) آقایان و خانمها مدام دارند همدیگر را آزار و اذیت می‌کنند (به یک کارهایی، در مطبوعات می‌گوییم آزار و اذیت،) ب) صفحه حوادث روزنامه‌ها خیلی شلوغ شده، خودم خواندم که یک خانمی با سه تا آقا رفته بود به یک باغ تا او را حسابی آزار و اذیت کنند. ج) مسوولان هر کار لازم بوده انجام داده‌اند، فقط همین یکی مانده. د) تقصیر این ماجراها به گردن هیچ کس نیست، مقصر من هستم و فری پونصد، رضا فرصت، حاجی نصرت،

۳۰ خرداد ۱۳۸۶

اقتدار در خلع لباس

شکر خدا هیچ خبری نیست. نه تکلیف بنزین که ماهها است قرار است روشن بشود، روشن - یا حتی سایه روشن - شده، نه نرخ سود بانکی عددی جز ۱۲ درصد تصویب شده، نه زلزله تهران کسی را تکان داده (آن عده که تکان داده شده‌اند به زلزله ارتباطی نداشتند) نه... فقط ما اینجا می‌خوانیم «مهار تورم با اقتدار تمام» من گمان می‌کنم یا دوستان معنی لغت تورم را نمی‌دانند یا بند اقتدارشان شل شده یا با ما شوخی دارند، الف) از اینکه این اقتدار در قیمت سیب زمینی تبلور یافت سپاسگزاریم. ب) در بخش مسکن به واقع اقتدار تو بخورم. ج) اقتدار چه بهت میاد، جوره یا رنگ گوتها. د) از اینکه با ما همسفرید خوشحالیم، - ختم رجی برای چندمین بار تقاضا کرده‌اند که سیدمحمد خاتمی

خلع لباس شود چون ایشان این بار خیلی اصرار ورزیده‌اند ما گمان می‌کنیم؛ الف) خاتمی باید خیلی خلع لباس شود، ب) گویا دوستان به همین البسه رویی بسنده نکرده‌اند (مثلاً جوراب رئیس جمهور سابق هم باید از پایش در بیاید،) ج) خاتمی هر کاری در هر زمینه‌ی که می‌کند باید خلع لباس شود. د) این خلع لباس منو کشته،

- می‌خوانیم بازنشستگان از مستمری شان راضی نیستند. الف) شکر خدا یک مورد ناراضی پیدا شد. ب) وا، چرا؟ ج) خوشی زده زیر دلشون.

د) بچه‌ها متشکریم، کلاً،

۳۱ خرداد ۱۳۸۶

به شرط چاقو

سه‌میه بندی بنزین که در آغاز سال به تعویق افتاده بود و سپس قرار شد در اول خرداد به تعویق بیفتد و بعدها توانست در پانزدهم، هفدهم و بیستم خرداد هم موفق به تعویق افتادن شود، سرانجام در آخر خرداد به نتیجه رسید و معلوم شد که تا اول مرداد به تعویق خواهد افتاد. با خودم می‌گویم شکر خدا که این مشکل هم حل شد. بعد می‌خوانم سردار احمدی مقدم گفته «بعضی سعی کردند بگویند مجرمان هم دارای حقوق هستند.» واقعاً که آن بعضی‌ها چه حرف‌های بی ربطی می‌زنند. الف) مجرمان هیچ حقوقی ندارند فقط قسط دارند، ب) در مورد مجرمان کلاً حقوق کیلویی چنده؟ ج) مجرم مگر کارمند است که حقوق داشته باشد؟ د) اینها را اول کنی پس فردا می‌گویند جلبک هم حقوق دارد، ول شان کنید. اینجا درشت نوشته «مرده در سردخانه زنده شد»